

بدانشدنی



فضای ذهنی آنها حین بازی باقی فیلم تاثیر نگذارد. این مسئله برای بازیگران بسیار سوال برانگیز و حتی نگران کننده بود ولی خوشبختانه همراهی و همکاری کردند.

سخن پایانی

از حمایت آقای علی اکبری برای اینکه کار فرایند لازم برای دیده شدن را طی کند تشکر می‌کنم. فکر مدام درگیر بود که احتمالاً در جایی در فرایند تکمیل کار یا فرایند پخش با اصلاحاتی مواجه شوم و امروز برایم بسیار خوشایند است که یک کلمه، صحنه و یا شات خارج از آنچه میل خودم بود تغییری نکرد و در واقع همان چیزی که خیلی شخصی و به نوعی خام و خودرو در ذهنم بود و نوشتم تبدیل به تصویر شد و در حال حاضر اکران می‌شود.

حامد ابافت:

اطرافیانم فکر می‌کردند از پس نقش بر نمی‌آیم

حامد ابافت مدرس زبان و اصلنا اصفهانی است. او ۶ سال است که در تهران به تدریس آنلاین می‌پردازد و «روز مات» اولین تجربه او در بازیگری است.

چه عواملی باعث شد که حضور در این پروژه را بپذیرید؟

چیزی که بیشتر مرا جذب کرد انگلیسی صحبت کردن کاراکترهای این فیلم و فیلمنامه انگلیسی آن بود. برایم مهم بود که بدانم کسی که فیلمنامه را نوشته واقعا سوادش را داشته یا نه و با خواندن همان چند صفحه اول متوجه شدم که بله. از دید من معلم در سینمای ما معمولاً وقتی یک کاراکتر می‌خواهد انگلیسی صحبت کند هم دیالوگ‌ها و هم لهجه‌اش خیلی ضعیف است و این برایم بسیار جالب بود که خود کارگردان تا این حد مسلط است و چنین کاری انجام داده. با اینکه هیچ وقت در کلاس تئاتری سینما شرکت نکرده بودم و تجربه‌ای در این زمینه نداشتم همیشه علاقه به تئاتر و سینما در من وجود داشت و من هم مثل اغلب معلمان زبان اهل فیلم و سریال دیدن هستم. علاقه به تئاتر و سینما همراه با این پیشنهاد و فرصت باعث شد که با کمال میل حضور در این پروژه را قبول کنم.

چالشی که برای بازی این اثر داشتید چه بود آیا کاراکتر را

به خود نزدیک حس می‌کردید؟

این کاراکتر به خود من نزدیک نبود ولی همه ما کاراکترهای این چینی را دیده‌ایم و هم جنبه‌هایی از این کاراکتر که هم مدرن است و هم به یک سری از سنت‌هایش پایبند را در خودمان می‌بینیم. جامعه‌ای که ما از کودکی در آن بزرگ شده‌ایم سنتی است و این سنت‌ها به نوعی در ما نهادینه شده است و حال اگر کمی خودمان در ارتباط با فرهنگ‌های دیگر و از طریق مدیا مدرن شده‌ایم باز گاهی این تضاد بین سنت و مدرنیته را در خودمان می‌بینیم. حال نه به این شدتی که در کاراکتر فیلم ولی کمابیش همه شاید تجربه کرده باشیم. بنابراین من این کاراکتر را به خوبی درک می‌کردم یعنی هم او و هم کاراکتر لیلا همسرش را درک می‌کردند. البته صحبت‌ها و بحث‌هایی که پیرامون کاراکتر با آقای نوری داشتیم و راهنمایی‌های ایشان بسیار به ما کمک می‌کرد.

باز خوردی که تا این لحظه از نقش داشته‌اید چه بوده؟

فکر می‌کنم کسی انتظارش را نداشت که من اینگونه این نقش را بازی کنم. البته که نمی‌خواهم بگویم بازی‌ام درخشان بوده اما کسانی که مرا می‌شناسند و اطرافیانم اصلاً فکر نمی‌کردند که بتوانم از پس یک نقش در یک فیلم بلند اینگونه بر بیایم و ظاهراً در یک قسمت‌های واقعا تحت تاثیر بازی قرار گرفته بودند. هر چند که من اعتبار این قضیه را به آقای نوری می‌دهم ایشان در اولین تصویرهایی که از ما گرفتند به ابتدایی‌ترین نکات بازیگری مثل پلک زدن هم می‌پرداختند و روی بازی ما از این نکته‌های ریز تا لحن‌ها، واکنش‌ها و بازی‌ها کار کردند. من فیدبک‌های مثبتی دریافت کردم و زمانیکه خودم نیز کار را روی پرده دیدم از بازی خودم راضی بودم.

آیا بازیگری بخشی از زندگی شما در آینده خواهد بود؟

گفتنش سخت است چون فکر می‌کنم برای ماندگاری و موفقیت در این حرفه باید مدام پیگیری باشی و مدام در این فضا باشی و من هم مسئولیت‌های زندگی خودم را دارم و نمی‌دانم که چقدر می‌توانم برای این حرفه وقت بگذارم اما نمی‌خواهم در راهم به روی فرصت‌های بعدی ببندم. اگر باز بخورد خوبی بین فیلمسازان و کارگردان داشته باشد و پیشنهاد کاری دریافت کنم قطعاً استقبال می‌کنم.

با روایت کاراکترها متوجه آن می‌شویم. ما در طول اثر با این ندیدن‌ها سر و کار داریم و در این زمینه یعنی بحث صرفه جویی در نشان دادن بدن نیست که یاد می‌کنیم از مرحوم کیارستمی، فکر می‌کنم همه این‌ها نکاتی است که از نظر تحلیلی به خوانش و تحلیل بهتر فیلم کمک می‌کند.

در انتخاب بازیگران فیلم به چه مولفه‌هایی توجه کردید؟

من تا حدی زبان بلد بودم و می‌توانستم در بحث لهجه و ادای کلمات به یک بازیگر خوب کمک کنم در نتیجه رایزنی‌هایی با دوستان بازیگرم داشتم که برخی از آنها نیز تا حدی چهره بودند ولی در مرحله دیالوگ خوانی دیدم که میان شخصی که خودش لهجه درستی دارد با بازیگری که من تلاش در اصلاح لهجه‌اش دارم فاصله زیادی هست پس تصمیم گرفتم برای صرفه جویی در وقت سراغ افرادی بروم که انگلیسی‌شان خوب است و استعداد بازیگری را در آنها بسنجم. اینجا بود که به ذهنم رسید سراغ افرادی بروم که در فضای مجازی به آموزش زبان می‌پردازند چرا که آنها پذیرفته بودند که چهره‌شان جلوی دوربین برود و نکته مثبتش این بود که نمونه کاری آنها به راحتی در اختیارم بود و با دیدن ویدیوهای کاری آنها لهجه مورد نظر خودم را پیدا کردم و از بین آن دوستان با تست تصویری که به عمل آمد به گزینه‌های مد نظر رسیدیم به خصوص که در همان جلسه اول مشخص بود که دو بازیگر کار به صورت ذاتی استعداد بازیگری دارند. یکی از قرارهایی که من با این دو بازیگر گذاشتم این بود که فیلمنامه را منتهای فینالش به آنها بدهم بدین شکل می‌خواستیم اتفاقی که در فینال اثر رخ می‌دهد روی

زبان انگلیسی در آن هست و هم مسئله شیر خشک که موتور حرکت داستان می‌شود و بر پایه احساس ترس از اینکه شیر خشک نخواهد بود و تلاش برای بقای فرزندشان پیش می‌رود.

آیا بر اساس نحوه حرکت دوربین، رنگ تصویر و لوکیشن‌هایی که انتخاب کرده‌اید می‌توانیم در این اثر بدنبال یک نگاه مستعد گونه باشیم؟

فکر می‌کنم اگر بوده باشد نیز به شکل خودآگاه نبوده. ممکن است نتیجه آنچه که شما می‌گویید را تداعی کند اما تلاش من این بود که یک فضای داستانی خوب از کار در بیاورم اما حدی از نورثالیسم را ما در این کار می‌بینیم. نورثالیسم از این جهت با مستند عجین است که دوربین را به فضای شهری می‌آورد. مثلاً نمونه شاخص معروفش همان فیلم «دزدان دوچرخه» دسیکا است و «روز مات» هم از این جهت که ما در فضای شهری می‌چرخیم می‌تواند تداعی کننده آن حدی از واقع‌گرایی که در نورثالیسم داریم باشد و از طرفی همین تنازع بقا رفرنسی است که باز در نورثالیسم هست و در «دزد دوچرخه» با آن روبرو هستیم چرا که بچه این زوج از شیر مادر محروم و به شیر خشک وابسته است و اینگونه یک نوع دغدغه بقا برای آنها شکل گرفته است. اجازه بدهید به چند نکته اشاره کنم یکی بحث نمادین بودن شیر در مجموعه «ده فرمان» کیشلوفسکی است. شیر عنصری است که دلالت بر موارد متعددی می‌کند و فکر می‌کنم در فیلم «روز مات» نیز خوب جواب داده است. دیگری در مورد آنچه که نمی‌بینیم است یعنی در طول این فیلم هرگز آنچه در داروخانه می‌گذرد را نمی‌بینیم و صرفاً